

روان خوانی

ای کمیل!

کمیل گفت: امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب (ع)، دست مرا گرفت و به بیابان برد. چون به صحرا رسید، آهی بلند کشید و گفت: «ای کمیل، این دل‌ها هم چون طرف‌هاست و بهترین آن‌ها نگاه دارنده‌ترین آن‌هاست. پس آن چه تو را می‌گویم، از من به خاطر دار. ای کمیل، دانش به از مال است که دانش، تو را پاسبان است و تو مال را نگهبان. مال با هزینه کردن کم آید و دانش با پراکنده شدن بیفزاید. ای کمیل، آدمی در زندگی به دانش، طاعت پروردگار آموزد و برای پس از مرگ، نام نیک اندوزد و دانش، فرمان‌گذار است و مال، فرمان‌بردار. ای کمیل، گنجوران مال، مرده‌اند، گرچه زنده‌اند و دانشمندان، چندان که روزگار پاید، پاینده‌اند. تن‌هاشان ناپایدار است و نشانه‌هاشان در دل‌ها آشکار. هیچ‌یک از شما جز به پروردگار خود امید نبندد و جز از گناه خود ترسد و چون کسی را چیزی پرسند که نداند، شرم نکند که گوید ندانم و هیچ‌کس شرم نکند از آن که چیزی را که نمی‌داند، پیاموزد».

و به جابر، پسر عبدالله انصاری، فرمود:

«جابر، دنیا بر چهار چیز برپاست: دانایی که دانش خود را به کار برد، نادانی که از آموختن سرباز نزند، بخشنده‌ای که در بخشش خود بخل نکند و درویشی که آخرت خویش را به دنیای خود نفروشد. پس اگر دانشمند دانش خود را تباه سازد، نادان به آموختن پردازد و اگر توانگر در بخشش خویش بخل ورزد، درویش، آخرتش را به دنیا دربارد».